

واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص)

میثم آقداغی *

حسین خنیفر **

حسن دانایی‌فرد ***

مصطفی دلشاد تهرانی ****

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۲/۰۵

چکیده

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی محل تلاقی خط‌مشی‌گذاری عمومی و فرهنگ است که به دلیل اهمیت فزاینده‌اش در کانون توجه پژوهشگران و اندیشه‌ورزان قرار گرفته است. در این مقاله با رویکردی اسلامی به این حوزه نظری پرداخته، و تلاش شده است با تکیه بر سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) به عنوان اسوه حسنه، اصول خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد اسلامی استخراج و ارائه شود؛ به عبارت دیگر مسئله این پژوهش پرسش از دلالت‌های عملی سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص) در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است. برای پاسخ به این مسئله مجموعه‌ای از منابع سیره به صورت هدفمند انتخاب شد و با روش تحلیل مضمون مورد مطالعه و شناسه‌گذاری قرار گرفت. شناسه‌ها در قالب مضمونها دسته‌بندی و پالایش، و با توسعه دامنه مطالعه، شواهد بیشتری برای مضمونهای اصلی گردآوری و تحلیل شد. با مراجعه به متن روایات و خطبه‌های پیامبر(ص) شواهدی در جهت تأیید مضمونهای اصلی فراهم آمد. هفت مضمون اصلی استخراج شده از تحلیل متون سیره عبارت است از: هدایتگری، جامعیت فرهنگی، تدریج، تقویت وحدت و انسجام اجتماعی، مسجدمحوری، تقویت جایگاه خانواده و زنان، و رشد دانش و آگاهی. این هفت مضمون، اصول هفت‌گانه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بر اساس سیره پیامبر مکرم اسلام(ص) را تشکیل می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خط‌مشی فرهنگی، خط‌مشی‌گذاری، خط‌مشی عمومی، سیره پژوهی، سیره نبوی.

m.aghdaghi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار شورای عالی انقلاب فرهنگی

khanifar@ut.ac.ir

** استاد دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران

hdanaee@modares.ac.ir

*** استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

delshad.m@qhu.ac.ir

**** استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

مقدمه

فرهنگ را از حیث اهمیت و تأثیر بسزایی که در حیات اجتماعی انسان دارد به هوایی که تنفس می‌کنیم تشبیه کرده‌اند. وجه دیگر این تشبیه ناپیدایی و ناخودآگاه بودن این تأثیرگذاری است. در دهه‌های اخیر پژوهشگران رشته‌های مختلف دانش تلاش کرده‌اند با مطالعه فرهنگ، این مقوله پیچیده و پرابهام را در چارچوب نظریه‌ها و الگوها به اصطیاد درآورند. در نتیجه تلاش آنان، امروزه در حوزه‌های مختلف دانش از فلسفه گرفته تا جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و حتی زبان‌شناسی، ادبیاتی نظری حول مقوله فرهنگ شکل گرفته است. یکی از رشته‌هایی که ارتباطش با مطالعه فرهنگ در حال تطور و تکامل است، خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

توجه به مسائل عمومی جامعه و اتخاذ تدابیری برای حل آنها از وظایف دولتهاست که آنها را از بخش خصوصی متمایز می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۹۴). در نگاهی کارکردگرایانه، می‌توان سه عرصه فرهنگ، سیاست و اقتصاد را قلمرو اعمال حاکمیت در نظر گرفت. اینکه دولت در هر یک از این سه حوزه چه مأموریتی دارد و با چه سازوکاری باید مأموریت خود را محقق کند، مسئله‌ای بنیادی است که با توجه به ماهیت میان رشته‌ای آن در حوزه‌های مختلف دانشی مطرح و تأثیرگذار است.

مطالعه خط‌مشی‌گذاری عمومی، مطالعه نظری ساحت عملی دولتهاست. یکی از موثرترین عرصه‌های قلمرو عمل دولت، عرصه فرهنگ است. خط‌مشی فرهنگی کنشی عامدانه در قلمرو فرهنگ است که عمدتاً توسط دولت تدوین و اجرا می‌شود (مک‌گویگان^۱، ۲۰۰۴: ۱۴۴). دولتها در میان نقش آفرینان فرهنگی به دلیل برخورداری از قدرت و منابع مالی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. دولتها از طریق خط‌مشی‌گذاری عمومی در عرصه‌های آموزشی، رسانه‌ای، علم و فناوری، هنری و... از مهمترین بازیگران عرصه فرهنگ به شمار می‌روند. با وجود این واقعیت، که سیاست فرهنگی امروزه همه‌گیر و همه‌جایی است، چستی و چگونگی برنامه‌ریزی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از لحاظ نظری مبهم و ناروشن است (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۲۹). اهمیت غیر قابل انکار فرهنگ و نقش مؤثر دولت در مدیریت تغییرات فرهنگی، مطالعات علمی در حوزه

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را ضروری می‌سازد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی یعنی نظام حکومتی در ایران پس از انقلاب، نیازمند ترسیم الگوهای اسلامی و بومی حکومتداری و نظام‌سازی است. جمهوری اسلامی داعیه‌دار حکومت بر مبنای اسلام است، و لذا لازم است ساختارهای خود را بر اساس اسلام بنا کند (صدیق سروستانی و زائری، ۱۳۸۹). تلاش در جهت تعالی فرهنگی عموم مردم از رسالتهای حکومت دینی است؛ چرا که حکومت دینی ادامه دهنده مسیر حرکت پیامبران الهی است، و قرآن کریم بارها به تزکیه و تعلیم به عنوان دو مأموریت مهم پیامبران اشاره کرده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح شده «هدف» حکومت «رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی» است تا زمینه «بروز و شکوفایی استعدادها» به منظور «تجلی ابعاد خداگونگی انسان» فراهم آید.

در کنار الگوها و نظریه‌های متعارف در زمینه خط‌مشی‌گذاری به طور عام و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به طور خاص، نیاز به مطالعات اسلامی در این زمینه بشدت وجود دارد تا هم در عرصه نظری در نقد و پذیرش الگوهای موجود مورد استفاده و استاد قرار گیرد و هم راهگشای فعالان عرصه عمل شود و دلالت‌های روشنی را برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در کشور در بر داشته باشد. رسالت دولت در برابر فرهنگ، که خود را عمدتاً به شکل خط‌مشی‌گذاری نشان می‌دهد از یک سو و تعهد نظام جمهوری اسلامی به آموزه‌های شرع مقدس اسلام از سوی دیگر، نیاز مطالعه الگوهای اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را دوچندان می‌سازد. متأسفانه به‌رغم اهمیت این موضوع در کشور ما مطالعات چندانی در این حوزه صورت نگرفته و شاید از همین رو در نقشه جامع علمی کشور مطالعات سیاست‌گذاری و مدیریت فرهنگ دارای اولویت الف شناخته شده است. بررسی سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) با این رویکرد می‌تواند پاسخ درخوری به این نیاز معرفتی فراهم آورد؛ چراکه سیره معصومین علیهم‌السلام یکی از منابع معرفتی به منظور بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی است. به طور خاص برای دریافت آموزه‌های اسلامی در زمینه حکومت، سیره حکومتی حضرت رسول(ص) منبع بسیار ارزشمندی به شمار می‌رود. قرآن کریم نیز بر اسوه بودن پیامبر اکرم(ص) تأکید دارد^(۱). ابعاد مختلف سیره ایشان برای ما درس‌آموز و منبعی عینی برای آشنایی با معارف اسلام ناب است.

با این توضیح در این پژوهش تلاش شده است با مطالعه سیره پیامبر اکرم(ص) در دوران حکومت ایشان، و با بررسی و تحلیل شیوه‌ها و اقدامات آن حضرت در حوزه فرهنگ، دلالت‌ها و

رهنمودهای عملی این سیره در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی استخراج، و در قالب اصول و قواعد عملی برآمده از آموزه‌های اسلامی تدوین و تحلیل شود؛ به عبارت دیگر پرسش اصلی مقاله پرسش از دلالت‌های سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و تدوین و تنقیح آنها در قالب اصول و قواعدی برای فعالان این عرصه است. نتایج این پژوهش هم در مراحل تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و هم در ارزیابی و اصلاح آنها توسط خط‌مشی‌گذاران فرهنگ‌قابل استفاده است و نیز می‌تواند خردمایه لازم را برای خوانش انتقادی خط‌مشی‌های فرهنگی توسط منتقدان فراهم آورد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

علوم انسانی قلمرو مفاهیمی با دلالت‌های متکثر و واژگانی با معانی متعدد است؛ لذا در هر بحثی پیش از هر چیز ضرورت دارد با بیان روشن تعاریف و اصطلاحات مورد استفاده ضمن پیشگیری از سوء برداشت‌های احتمالی زمینه مفاهمه بهتر فراهم شود. در ادامه ضمن تبیین مفهوم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و سیره نبوی، مهمترین نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط به اختصار مورد بحث قرار گرفته است.

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، شناخت مفاهیم

برای رسیدن به شناخت مفهوم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی می‌توان این مفهوم مرکب را به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌اش جدا کرد. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نوعی خط‌مشی‌گذاری عمومی معطوف به فرهنگ است (بل و اوکلی^۱، ۲۰۱۴: ۶ و ۴۷)؛ بنابراین شناخت و دستیابی به تعریفی از آن متأخر از شناخت خط‌مشی‌گذاری عمومی به عنوان مفهوم عام، و مفهوم فرهنگ به عنوان وجه ممیز است.

خط‌مشی عمومی

ادبیات علم سیاست مملو از تعاریف مختلف خط‌مشی عمومی است. تقریباً هر کسی که در باب خط‌مشی مطلبی نوشته تعریفی نیز از خط‌مشی ارائه کرده است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۷). برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که خط‌مشی عمومی مفهومی شهودی است و از این رو تعریف آن بسیار دشوار است (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲: ۱۳).

در جدول ۱ خلاصه‌ای از مهمترین تعاریف خط‌مشی عمومی در قالب هفت مفهوم کلیدی نشان داده شده است. ذیل هر مفهوم نمونه‌ای از تعاریف و نام برخی از صاحب‌نظران مطرح‌کننده چنین تعاریفی ذکر شده است. به‌رغم برخی همانندیهای تعاریف، واقعیت این است که نه تنها اجماعی در مورد تعریف خط‌مشی عمومی وجود ندارد، بلکه نمی‌توان به رسیدن به چنین توافقی در آینده نیز امید داشت (برکلند، ۲۰۱۱: ۸؛ اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲: ۱۵). از میان تعاریف، تعریف جیمز اندرسون از خط‌مشی عمومی نسبتاً جامع و مانع است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۹). طبق تعریف وی «خط‌مشی عمومی بیانگر مجموعه‌ای از اقدامها یا عدم اقدامهای نسبتاً ثابت و هدفمند است که توسط یک کنشگر یا مجموعه‌ای از کنشگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه (عمومی) دنبال می‌شود» (اندرسون، ۲۰۱۴: ۷).

جدول ۱: مفاهیم کلیدی در تعاریف خط‌مشی عمومی

| ردیف | مفهوم کلیدی | نمونه‌ای از تعاریف | صاحب‌نظران |
|------|--------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ | تصمیم/ اقدام دولت | هر آن چیزی که دولتها انتخاب می‌کنند که انجام دهند یا انجام ندهند. | دای (۱۹۷۶) |
| ۲ | رابطه دولت - محیط | رابطه یک واحد دولتی با محیط خود | آیستون (۱۹۷۱) |
| ۳ | مسئله عمومی | جریانی از اقدامات یا عدم اقدامات دولت در واکنش به مسائل اجتماعی | کرفت و فورلانگ (۲۰۰۷)، برکلند (۲۰۱۱) |
| ۴ | فرایند سیاسی | ترکیب تصمیمات اساسی، تعهدات و اقدامات صاحب منصبان دولتی یا افراد ذی‌نفوذ بر آنها | جرستون (۲۰۱۴) |
| ۵ | حق فرمانروایی | موضع یا اقدام عامدانه دولت در مورد هر موضوعی که با به کارگرفتن اقتدار همراه است. | فنا (۲۰۰۴) |
| ۶ | ارزش‌گذاری، اولویت‌بندی، تخصیص منابع | اقدامی که اقتدار دولتی را برای استفاده از منابع در حمایت از یک ارزش مرجح به کار می‌برد. | کانسیداین (۱۹۹۴) |
| ۷ | ادراک مردم از چگونگی حکمرانی | بخشی از یک چارچوب از ایده‌ها که از طریق آن ما چگونگی حکمرانی شدنمان را در ابعاد مختلف زندگی معنا می‌کنیم. | کولیچ (۲۰۰۹) |

فرهنگ

تعریف فرهنگ به طور فوق‌العاده‌ای دشوار است. گفته می‌شود فرهنگ یکی از دو یا سه واژه با

بیشترین پیچیدگی در زبان انگلیسی است (ویلیامز، ۱۹۸۳: ۷۶). دو مردم‌شناس امریکایی به نامهای کروبر و کلاکهاون^۱ حدود نیم قرن پیش مروری انتقادی بر مفاهیم و تعاریف فرهنگ انجام دادند و بالغ بر ۱۶۰ تعریف مختلف را گردآوری و طبقه‌بندی کردند^(۲) (کروبر و کلاکهاون، ۱۹۵۲). طبقه‌بندی آنان از تعاریف فرهنگ در قالب جدول ۲ نشان داده شده است. آپته (۱۹۹۴: ۲۰۰۱) در دایره المعارف زبان و زبان‌شناسی مسئله را به طور خلاصه این طور بیان می‌کند: «به رغم یک قرن تلاش برای ارائه تعریفی شایسته از فرهنگ، هنوز هیچ توافقی در مورد ماهیت آن وجود ندارد».

جدول ۲: طبقه‌بندی تعاریف فرهنگ (اقتباس و تلخیص شده از کلور و کلاکهاون، ۱۹۵۲: ۴۱ - ۷۱)

| عنوان طبقه | ویژگی محوری فرهنگ | نمونه تعاریف |
|-----------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تعاریف توصیفی (descriptive) | عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ به عنوان کل جامع | تایلور (۱۸۷۱): کل پیچیده‌ای که دانش، باور، هنر، قوانین، اخلاقیات، رسوم و هرگونه توان و عادات دیگری را شامل می‌شود که انسان به عنوان عضوی از جامعه فرا گرفته است. |
| تعاریف تاریخی (historical) | فرهنگ به مثابه میراث تاریخی نسلها | ساپیر (۱۹۲۱): مجموعه مرتبطی از کردارها و باورها که از راه جامعه به ارث رسیده است و بافت زندگی ما را تعیین می‌کند. مایرس (۱۹۲۷): آنچه از گذشته آدمیان باز مانده است در اکنون ایشان عمل می‌کند و آینده‌شان را شکل می‌دهد. |
| تعاریف هنجاری (normative) | فرهنگ به مثابه شیوه زندگی یا به منزله عقاید هنجاری نیرومند و پویا | ویسلر (۱۹۲۹): شیوه زندگی که هر اجتماع یا قبیله از آن پیروی می‌کند. کلاکن (۱۹۵۱): راه و روش مشخص یک گروه از مردم و یا طرح کامل زندگی آنها |
| تعاریف روانشناختی (psychological) | فرهنگ مقوله‌ای در راستای سازگاری انسان با محیط طبیعی و اجتماعی، یادگیری و برآوردن نیازها | اسمال (۱۹۰۵): تمام ساز و برگ فنی، مکانیکی، مغزی و اخلاقی که مردم دوره‌ای خاص با به کار گرفتن آنها به مقاصد خود می‌رسند. فورد (۱۹۴۲): راه‌حلهای آموخته شده مسائل |
| تعاریف ساختاری (structural) | فرهنگ به مثابه ساختاری از روابط سازمان‌یافته و قواعد پذیرفته شده | ویلی (۱۹۲۹): سامانه‌ای از الگوهای عادت‌ی پاسخگویی که به یکدیگر پیوسته و وابسته است. |
| تعاریف تکوینی (genetic) | چگونگی پیدایش و بقا فرهنگ | هرسکوویتس (۱۹۴۸): بخشی از محیط که توسط خود انسان به وجود آمده است. یونگ (۱۹۴۲): رسوبات ته نشین شده زندگی اجتماعی |

روشه^۱ در کتابش با عنوان مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی پس از بررسی تحول معنا و مفهوم فرهنگ در طول تاریخ و تفاوت معنای آن در حوزه‌های زبانی و رشته‌های علمی مختلف، تعریفی نسبتاً جامع و مانع از فرهنگ ارائه کرده است: «فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که کم و بیش مشخص است و توسط تعداد زیادی از افراد فراگرفته می‌شود و بین آنها مشترک است و به دو شکل عینی و نمادین به کار گرفته می‌شود تا این افراد را به جمعی خاص و متمایز مبدل سازد» (روشه، ۱۹۷۲: ۸۹).

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

جیم مک گوئیگان استاد تحلیل فرهنگی در دانشگاه لوبروگ انگلستان در کتاب «بازاندیشی در خط‌مشی فرهنگی»، خط‌مشی فرهنگی را کنشی آگاهانه در قلمرو فرهنگ تعریف کرده است که عمدتاً توسط دولتها صورت می‌گیرد (مک‌گوئیگان، ۲۰۰۴: ۱۴۴). این تعریف شبیه تعریف دای از خط‌مشی عمومی است و می‌توان نقدهایی را که به تعریف دای وارد شده است (اسمیت و لاریمر، ۱۳۹۲: ۱۴؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۸) به این تعریف نیز تسری داد؛ به این شکل بروشنی می‌توان نشان داد چگونه اختلاف نظرها در تعریف «خط‌مشی‌گذاری» و «فرهنگ» به تفاوت تعریف «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی» منجر می‌شود؛ هرچند موضوع خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به‌رغم اهمیت روز افزونش کمتر مورد توجه قرار گرفته است و لذا مانند آن دو مفهوم دیگر بالفعل میدان تکثر تعاریف نیست.

نمونه‌ای از تأثیر چگونگی تلقی از مفردات «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی» در تعریف این مفهوم را می‌توان در متونی یافت که به دلیل نگاه زیبایی‌شناختی نسبت به فرهنگ، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به خط‌مشی‌گذاری هنری محدود می‌شود و یا تحت تأثیر نگاه مادیگرایانه و محوریت یافتن کالای فرهنگی، خط‌مشی‌گذاری به خط‌مشی‌های تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۱۱) کاهش می‌یابد. با توجه به تعریف و توصیفی که از فرهنگ در بخشهای پیشین ارائه شد، طبیعی است که چنین تعاریفی از خط‌مشی فرهنگی پذیرفته نشود. در واقع با بررسی و انتخاب موضع در برابر تعاریف «فرهنگ» و «خط‌مشی‌گذاری عمومی» عمده مسیر رسیدن به تعریف خط‌مشی فرهنگی طی شده است.

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، خط‌مشی‌گذاری عمومی در عرصه فرهنگ است. این پیشفرض صحیح در این ترکیب نهفته است که قلمرو فرهنگ یکی از عرصه‌های خط‌مشی‌گذاری عمومی است. واقعیت این است که جداسازی عرصه‌های مختلف خط‌مشی‌گذاری اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. امروزه همه سیاستها و خط‌مشی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت‌ها زمینه‌ها و پیامدهای گسترده فرهنگی دارد و از این رو می‌توان هر خط‌مشی عمومی را در نظر گرفتن زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی‌اش، خط‌مشی فرهنگی قلمداد کرد (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۱۲). فرهنگ بعدی از ابعاد واقعیت اجتماعی است. خط‌مشی عمومی از آنجا که به واقعیت‌های اجتماعی مربوط می‌شود، بعد فرهنگی دارد؛ اما بسته به موضوعات مختلف، این بعد فرهنگی می‌تواند پررنگتر یا کم‌رنگتر باشد. برای حل نظری این چالش در تعریف خط‌مشی فرهنگی بهتر است گفته شود آن دسته از خط‌مشی‌ها که به طور مستقیم تأثیرگذاری بر فرهنگ را هدف گرفته و قصد کرده، خط‌مشی فرهنگی است و دیگر خط‌مشی‌های عمومی که با اهداف سیاسی و اقتصادی تنظیم شده اما دارای زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی نیز هست از دایره مفهوم خط‌مشی فرهنگی خارج است. قید داشتن قصد و هدفی مشخص و از پیش تعیین شده هم‌چنین می‌تواند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را از مداخله سلیقه‌ای حاکمان و دولتمردان در کارهای فرهنگی متمایز کند. بنابر این فقط هنگامی می‌توان از خط‌مشی‌گذاری فرهنگی سخن گفت که کارهای فرهنگی در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد و آنها در این عرصه با استفاده از اقتدار مشروعشان برای اجرای سیاستهایی از پیش تعیین شده وارد عمل شوند (ایوبی، ۱۳۸۹: ۱۶).

سیره و سیره‌پژوهی

سیره واژه‌ای عربی بر وزن فعله و از ماده «س، ی، ر» است و مصدر نوعی به شمار می‌رود که بر نوع و چگونگی فعل (سیر) دلالت دارد. بنابر این به لحاظ لغوی سیره به معنای طریقه و سنت است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۴: ۳۸۹؛ الطریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۳۹).

سیره نوع حرکت است و نیز آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده‌اند. از سیره فرد به صحیفه رفتار او و کیفیت سلوکش میان مردم تعبیر کرده‌اند. راغب اصفهانی در مورد این واژه می‌نویسد: سیره حالت و روشی است که انسان و غیر انسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد؛ خواه غریزی باشد خواه اکتسابی؛ چنانکه گفته می‌شود فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد. با توجه به آنچه از اهل لغت ذکر شد که سیره را به معنای

سنت روش و مذهب هیأت و حالت طریقه و راه و رسم گفته‌اند، می‌توان سیره را نوع رفتار و سبک رفتار و طریقه زندگی معنا کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۷).

عالمان مسلمان با رویکردهای مختلفی به پژوهش و نگارش آثار در زمینه سیره پیامبر(ص) پرداخته‌اند که مهمترین آنها عبارتند از سیره و مغازی، شمائل‌نگاری، اخلاق و خصائص، دلائل‌نگاری و جامع‌نگاری (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۱۹ - ۲۱؛ جعفریان، ۱۳۹۲: ۴۵ - ۷۸). در این پژوهش از رویکرد استاد شهید مرتضی مطهری در سیره پژوهی پیروی شده است. در این رویکرد سیره‌پژوهی به معنای جستجو در رفتار و حرکت و سیر یک امر و استخراج سبک و منطق آن است. افراد صاحب سبک و منطق در عمل تابع اصول و اسلوبی هستند که راهنمای عمل آنهاست. بنابر این مراد از سیره، منطق عملی و اصول عملی است و شناخت سیره نبوی یعنی شناخت این اصول و منطق (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۱ - ۳۳؛ دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۵۲ - ۵۴).

با این توضیح مراد از «اصول» در مطالعه سیره نیز مشخص می‌شود. «اصل» یک قاعده است که در عمل همواره رعایت شده و در موقعیت‌های مختلف از آن تخطی نشده است. این قاعده می‌تواند سلبی یا ایجابی باشد. اصل ایجابی بیانگر قواعدی است. فرد صاحب منطق عملی و سبک رفتاری در رفتار خود به رعایت آن ملتزم است. در مقابل اصل سلبی قاعده‌ای است که بر ترک نوعی از رفتار و اعمال دلالت دارد.

در واقع اصول به این معنا زمانی که در زمینه خط‌مشی‌گذاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد، شبیه مفهوم دکترین^۱ است. دکترین، آن‌گونه که شفریتز^۲ و بوریک^۳ و بوریک^۴ (۱۳۹۰: ۲۸۳ - ۳۱۰) می‌گویند، واسطه‌ای است بین مبانی فلسفی و خط‌مشی. دکترین اصولی است برخاسته از مبانی و تعیین‌کننده خط‌مشی. دکترین می‌تواند در قالب کتاب دینی، بیانیه حزبی و یا منشور سازمانی مدون باشد. خط‌مشی‌های عمومی برخاسته از دکترین حاکم است (شفریتز و بوریک، ۱۳۹۰: ۲۸۳ - ۲۸۴). دکترین‌های بشری خط‌پذیر است و همواره امکان دارد دوره آنها سر برسد؛ چنانکه گویی نوعی نسبی و موقت بودن در معنای دکترین نهفته است؛ اما زمانی که از سیره پیامبر خاتم(ص) سخن می‌گوییم، امکان دستیابی به آموزه‌هایی فراهم می‌شود که حاکی از اصول و قواعدی ثابت است.

1 - Principle

2 - Doctrine

3 - Jay M. Shafritz

4 - Christopher P. Borick

بنابراین استفاده از عنوان «اصول»، که از نوعی ثبات حکایت دارد به جای «دکترین» مناسبتر به نظر می‌رسد.

در مورد پیشینه پژوهش باید ذکر کرد که این پژوهش ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و پیشینه آن در دو ساحت مطالعات خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و سیره‌پژوهی قابل رهگیری است. در ساحت نخست، اگرچه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی پیشینه دیرینه‌ای دارد، مطالعه علمی آن به دهه‌های اخیر مربوط است. در کشور ما نیز در سالهای اخیر پژوهشهایی با رویکرد بومی در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی صورت گرفته است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- الگوی اسلامی ایرانی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، رساله دکتری محمدحسین باقری‌فرد (۱۳۹۵)

- تحلیل مبانی معرفتی سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر حکمت صدرایی، رساله دکتری سعید

خورشیدی (۱۳۹۵)

- طراحی مدل اجرای سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور، رساله دکتری

مجید مختاریان‌پور (۱۳۹۱)

- طراحی مدل استفاده از سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری فرهنگی ایران، رساله دکتری

علی حمیدی‌زاده (۱۳۹۱)

در ساحت سیره‌پژوهی، اگرچه مطالعات و تحقیقات فراوانی صورت گرفته، موضوع خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بویژه با رویکرد شهید مطهری در سیره‌پژوهی سابقه ندارد. نزدیکترین پژوهش به لحاظ ارتباط با موضوع این مقاله، پایان‌نامه سید محمد کاظمی است با عنوان «سیره فرهنگی و ارتباطی امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران حکومت در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی» (کاظمی، ۱۳۸۹) که در آن در نظر گرفتن حکومت علوی به عنوان تنها دوران حکمرانی یکی از امامان شیعه مسئله رابطه این حکومت با فرهنگ و سیاست‌گذاری فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش به دلیل ماهیت اکتشافی از نوع استقرایی و داده‌محور است و با پرسش کلان انجام می‌شود و از این رو تا حد امکان از به کارگیری چارچوبهای مفهومی پیشینی به عنوان مبنایی برای

تحلیل داده‌های سیره پرهیز دارد. با توجه به اقتضائات مسئله پژوهش و ضرورت بررسی سیره به مثابه متن برای استخراج الگوهای آن از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها^۲ (عنوانها/ مضمونها) در میان داده‌ها است (بروان و کلارک، ۲۰۰۶). این روش کاوشی برای یافتن مضمونهایی است که به اندازه اهمیت آنها در توصیف پدیده مورد مطالعه، پدیدار می‌شود. این فرایند متضمن شناسایی مضمونها از طریق خوانش و بازخوانی دقیق داده‌هاست. تحلیل مضمون نوعی تشخیص الگو در میان داده‌های کیفی است که مضمون آن، مقولات تحلیل را تشکیل می‌دهد (فردی و مویرک‌چران، ۲۰۰۸؛ ویلینگ، ۲۰۱۳: ۱۷۸؛ کلارک و بروان، ۲۰۱۳؛ جوفه، ۲۰۱۱: ۲۰۹).

یکی از ویژگیهای روش تحلیل مضمون، استقلال آن از مبنایی نظری و معرفت‌شناختی است که در بعضی مقالات از آن به «آزاد از نظریه»^۳ بودن (بروان و کلارک، ۲۰۰۶) و در برخی دیگر به انعطاف‌پذیری معرفت‌شناختی^۴ (ویلینگ، ۲۰۱۳: ۱۸۰) تعبیر شده و آن به این معناست که تحلیل مضمون برخلاف برخی دیگر از روشهای کیفی به چارچوب نظری خاصی وابسته نیست و به کار بردن این روش پژوهشگر را به چارچوب معرفت‌شناسی خاصی متعهد نمی‌کند (هاویت و کرامر، ۲۰۱۱: ۳۲۹؛ کلارک و بروان، ۲۰۱۳)؛ لذا تحلیل مضمون با رویکردهای مختلف از رئالیستی و ذاتگرا^۵ گرفته تا ساختگرایی اجتماعی^۶ و نیز رویکردهایی استفاده شده است که چندان در این دوگانه‌ها^۷ جای نمی‌گیرد (جوفه، ۲۰۱۱: ۲۱۱).

با توجه به مسئله تحقیق و قلمرو پژوهش، مجموعه تمام اسناد و متون مربوط به سیره پیامبر اکرم(ص)، که حاوی داده‌هایی در ارتباط با سیره حکومتی ایشان باشد، جامعه این پژوهش را تشکیل می‌دهد. از آنجا که در پژوهش کیفی نمونه‌گیری تصادفی با اندازه نمونه‌های نسبتاً بزرگ ضرورتی ندارد و اغلب از نمونه‌گیری محدود و هدفمند استفاده می‌شود در این پژوهش نیز متناسب با مسئله تحقیق ابتدا از میان آثار موجود در حوزه سیره نبوی(ره) تعدادی از آنها به صورت

-
- 1 - Thematic analysis
 - 2 - Patterns
 - 3 - Theoretical freedom
 - 4 - Epistemological flexibility
 - 5 - Realist/essentialist
 - 6 - Social constructionist
 - 7 - Dichotomy

هدفمند^۱ انتخاب، و سپس در میان متون، داده‌های مرتبط با مسئله تحقیق گردآوری شده است. با توجه به همزمانی گردآوری و تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی با پیشرفت پژوهش نمونه‌گیری با روش گلوله برفی^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ ادامه پیدا کرد. گردآوری داده‌ها با روش مطالعات کتابخانه‌ای با ابزار فیشبرداری صورت گرفته است. در مراحل مطالعه ادبیات و روش‌شناسی پژوهش از نرم‌افزار سیتاوی نسخه ۵ استفاده شده است. در مرحله گردآوری داده‌های پژوهش نرم‌افزار دانش‌نامه نبوی نور و نرم‌افزار نورالسیره نسخه ۲ مورد استفاده قرار گرفت.

در این پژوهش تحلیل مضمون مطابق با الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (بروان و کلارک، ۲۰۰۶) انجام شده است. مطابق این الگو مراحل تحلیل مضمون عبارت است از: آشنایی با داده‌ها، شناسه‌گذاری داده‌ها، شناسایی مضمونها و پالایش آنها، تعریف مضمونهای اصلی استخراج شده و نگارش گزارش.

در مرحله آشنایی با داده‌ها از دو نوع منابع مرتبط با مسئله تحقیق استفاده شد:

نوع اول شامل کتابهایی است که با منطقی مشابه همین پژوهش به استخراج و تبیین اصولی از سیره پیامبر اکرم (ص) در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند و به نوعی الگوی این تحقیق به شمار می‌روند. کتاب سیری در سیره نبوی استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، که در واقع معرفی‌کننده این رویکرد در مطالعه سیره نبوی است و کتاب چهار جلدی سیره نبوی (منطق عملی) نوشته محقق معاصر آقای مصطفی دلشاد تهرانی در این مرحله مورد بازخوانی قرار گرفت. بازخوانی این آثار علاوه بر آشنایی بیشتر با دامنه و عمق قلمرو پژوهش، حاوی دلالت‌هایی در زمینه استخراج اصول از میان شواهد و مصداق‌های تاریخی بود که در مراحل بعدی پژوهش کاربرست داشت.

نوع دوم منابعی که در مرحله آشنایی با داده‌ها مطالعه شد از میان کتابهای سیره، که توسط محققان برجسته معاصر نوشته شده است، انتخاب شد. ملاک دیگر این گزینش این بود که در اثر انتخاب شده با رویکردی تحلیلی تصویری جامع گرچه اجمالی از سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) ارائه شده باشد. با این رویکرد کتاب تاریخ سیاسی اسلام نوشته پژوهشگر معاصر رسول جعفریان (جلد اول، سیره نبوی) و کتاب سیره پیامبر اعظم (ص) در گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی نوشته دکتر نجف لک‌زایی مورد مطالعه قرار گرفت.

1 - Purposive sampling

2 - Snowball

3 - Theoretical sampling

در دور اول مطالعه متون سیره برای استخراج شناسه‌ها از دو گروه از منابع استفاده شد: گروه اول منابع تاریخی نوشته شده توسط محققان معاصر و گروه دوم منابع تاریخی دست اول. از گروه اول کتاب تاریخ سیاسی اسلام که در مرحله آشنایی با داده‌ها نیز مطالعه شده بود، بازخوانی و شناسه‌گذاری شد. به عنوان دومین کتاب از این گروه کتاب الصحیح من سیره النبی الاعظم(ص) نوشته فاضل گرانقدر سید جعفر مرتضی‌عاملی انتخاب شد. از میان منابع دست اول نیز سیره ابن هشام و مغازی واقدی انتخاب، و مطالعه و شناسه‌گذاری آنها انجام شد. فرایند شناسایی مضمونهای مرتبط با مسئله پژوهش از میان شناسه‌های استخراج شده به موازات استخراج آنها صورت گرفت. در این مرحله ۱۶۷ شناسه استخراج شده از متون سیره در قالب ۳۳ مضمون خرد و ۹ مضمون کلان دسته‌بندی شد. در گام بعد شناسه‌گذاری از متون سیره با هدف تقویت و تکمیل مضمونهای استخراج شده ادامه یافت. جدول ذیل فهرست منابعی از متون سیره را نشان می‌دهد که در مجموع این مراحل استفاده شده است. در ادامه با افزودن شناسه‌های استخراج شده در این مرحله، مضمونهای مرتبط با مسئله تحقیق تحلیل، و به مضمونهای پیشین اضافه شد. عنوان برخی از مضمونها با توجه به نکات و شواهد جدید اصلاح شد. هم‌چنین دسته‌بندی مضمونهای شناسایی شده تکمیل شد.

جدول ۳: فهرست متون سیره استفاده شده در فرایند تحلیل مضمون

| ردیف | عنوان کتاب | نویسنده | توضیحات |
|------|------------------------------------------|-----------------------|------------------------------|
| ۱ | تاریخ سیاسی اسلام | رسول جعفریان | ج ۱، سیره نبوی |
| ۲ | السیره النبویه | ابن هشام حمیری | |
| ۳ | زندگانی محمد(ص) | سید هاشم رسولی محلاتی | ترجمه سیره ابن هشام |
| ۴ | المغازی | محمد بن عمر واقدی | به همراه ترجمه مهدوی دامغانی |
| ۵ | الصحيح في سيرة النبي الاعظم(ص) | جعفر مرتضى العاملي | |
| ۶ | الطبقات الكبرى | ابن سعد كاتب واقدی | به همراه ترجمه مهدوی دامغانی |
| ۷ | دلائل النبوة في معرفة احوال صاحب الشريعة | ابو بكر بیهقی | |
| ۸ | عيون الاثر | ابن سيد الناس | |
| ۹ | الکامل في التاريخ | ابن اثیر جزری | |
| ۱۰ | إمتاع الأسماع | تقی الدین مقریزی | |
| ۱۱ | انساب الاشراف | احمد بن یحیی بلاذری | |
| ۱۲ | البدء و التاريخ | مطهر بن طاهر مقدسی | |
| ۱۳ | الروض الأنف في شرح السيرة النبوية | عبد الرحمن سهیلی | |
| ۱۴ | فروع ابدیت | جعفر سبحانی | |
| ۱۵ | منتهی الأمال في تواریخ النبی و الآل | محدث قمی | |
| ۱۶ | تاریخ پیامبر اسلام | محمد ابراهیم آیتی | |
| ۱۷ | تاریخ تحقیقی اسلام | حسین علی عربی | |
| ۱۸ | تراتب الاداریه | عبد الحی کتانی | به همراه ترجمه علیرضا ذکاوتی |
| ۱۹ | الإدارة في عصر الرسول(ص) | احمد عجاج کرمی | |
| ۲۰ | آثار اسلامی مکه و مدینه | رسول جعفریان | |
| ۲۱ | سیره نبوی منطلق عملی | مصطفی دلشاد تهرانی | |

اگرچه تحلیل متون روایی و تفسیری مرتبط با موضوع این پژوهش به دلیل گستردگی بسیار خارج از قلمرو تحقیق در نظر گرفته شده بود، پس از تحلیل مضمون متون سیره و استخراج مضمونها، از متون روایی و تفسیری در جهت تأیید این مضمونها استفاده شد. این تقویت و تأیید مضمونها بویژه در مورد مضمونهایی که به نظر می‌رسید به‌رغم اهمیتشان تعداد شواهد نسبتاً کمی از متون سیره برای آنها آورده شده است معنا پیدا می‌کرد. البته قلمرو معنایی پژوهش در این قسمت

نیز حفظ شده و لذا منظور از متون روایی، احادیث نبوی است و به طور خاص از کتابهایی نظیر مکاتیب الرسول و حکم‌النبی که به نقل اخبار نبوی اختصاص دارد، استفاده شده است. متون تفسیری نیز در ذیل برخی آیات قرآن کریم که با موضوع (مضمونها) ما مرتبط بوده مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجا که هدف اضافه کردن این قسمت تقویت و تأیید مضمونهای شکل گرفته در مراحل پیشین است، متن مآخذی که در این قسمت مورد استفاده قرار گرفت به صورت کامل تحلیل نشد و تنها به استخراج شواهد و تأییدات این متون در تکمیل و تقویت مضمونها پرداخته شده است. برای مرور متن این مآخذ نیز از مجموعه‌های نرم‌افزاری نور (از جمله دانشنامه نبوی، جامع الاحادیث و جامع التفاسیر) استفاده شده است. جدول ذیل فهرست منابع روایی و تفسیری استفاده شده را نشان می‌دهد.

جدول ۴: فهرست منابع روایی و تفسیری استفاده شده به منظور تقویت مضمونها

| ردیف | عنوان کتاب | نویسنده | توضیحات |
|------|--------------------------|--------------------|-----------------------------|
| ۱ | قرآن کریم | | |
| ۲ | مکاتیب الرسول | علی احمدی میانجی | |
| ۳ | حکمت نامه پیامبر اعظم(ص) | محمد محمدی ری شهری | |
| ۴ | نهج الخطابه | علم الهدی خراسانی | |
| ۵ | بحار الانوار | محمد باقر مجلسی | |
| ۶ | وسائل الشیعه | محمد حر عاملی | |
| ۷ | تحف العقول | حسین بن شعبه حرانی | |
| ۸ | مستدرک الوسائل | حسین نوری طبرسی | |
| ۹ | المیزان | محمدحسین طباطبایی | به همراه ترجمه موسوی همدانی |
| ۱۰ | مجمع البیان | فضل بن حسن طبرسی | |
| ۱۱ | تفسیر قمی | علی بن ابراهیم قمی | |

سرانجام با پایان یافتن شناسه‌گذاری و استخراج مضمونها، نتایج در قالب مضمونهای خرد و کلان مورد بازبینی و پالایش قرار گرفت. مضمونهای مشابه در هم ادغام، و عنوان برخی از مضمونهای کلان با توجه به یافته‌ها اصلاح شد. ۵۳۴ شناسه استخراج شده در قالب ۴۱ مضمون خرد و هفت مضمون اصلی دسته‌بندی شد.

روایی و پایایی

سنجش دقت علمی^۱ در پژوهش کیفی با سنت مرسوم در پژوهشهای کمی، که تحت تأثیر آموزه‌های اثباتگرایی است، تفاوت دارد. در این پژوهش با تکیه بر معیارهای جایگزینی^۲، که در پژوهشهای کیفی مرسوم است و با ویژگیهای این پژوهش تناسب دارد، اقدامات ذیل برای ارتقای دقت علمی و اعتمادپذیری صورت گرفته است:

اعتبارپذیری: اعتبارپذیری^۳ یا باورپذیری نخستین معیار قابل اعتماد بودن پژوهش کیفی است که به عنوان جایگزین روایی درونی مطرح است. در این پژوهش برای افزایش شاخص اعتبارپذیری در مرحله گردآوری داده‌ها تلاش شد با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، آثاری که بیشترین تناسب را با پرسش این پژوهش داشت برای آغاز تحلیل انتخاب شود. هم‌چنین استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی (انتخاب موارد بعدی بر اساس داده‌های استخراج شده) و تحلیل همزمان با گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری نظری (انتخاب نکات کلیدی از متون بعدی متناسب با نتایج تحلیل همزمان از متون پیشین) اقدامات دیگری است که برای افزایش اعتبارپذیری پژوهش صورت گرفته است. هم‌چنین در مرحله توسعه و تکمیل مضمونها تلاش شده است از هر یک از انواع مختلف متون سیره حداقل یک نمونه مشهور استفاده شود. هم‌چنین در مرحله پالایش مضمونها نیز برای استخراج مضمونها اصلی بر مضمونها قوی و با شواهد اطمینان‌بخش تکیه، و مضمونها اختلافی، متشابه یا فاقد شواهد کافی کنار گذاشته شد.

انتقال‌پذیری: معیار انتقال‌پذیری^۴ در پژوهش کیفی به عنوان جایگزین روایی بیرونی به کار می‌رود و بیانگر توان انتقال نتایج هر پژوهش به محیط‌های دیگر است. رویکرد شهید مطهری (ره) در سیره پژوهی، که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، امکان انتقال‌پذیری را تأمین می‌کند. در این رویکرد از میان مصداقهای اسناد مربوط به سیره عملی تلاش می‌شود قواعد و اصول حاکم بر عمل، و تعبیر دیگر الگوهای معنایی استخراج شود که در میان داده‌های کیفی تکرار شده است. بر اساس مبانی اسلامی چنین اصول و قواعدی زمانمند و تاریخمند نیست و در وضعیت‌های مختلف قابل استفاده است. بنابراین یافته‌های این پژوهش به حالتی وابسته است که

1 - Rigor

2 - Alternative standards

3 - Credibility

4 - Transferability

پیش‌فرض‌های مبنایی این پژوهش از جمله آموزه قرآنی «اسوه حسنه» بودن پیامبر (ص)، پذیرفته شده باشد.

قابلیت اطمینان: قابلیت اطمینان^۱ یا اتکاپذیری معیاری است که در ارزیابی پژوهش کیفی به عنوان جایگزین پایایی مطرح است. در این پژوهش تمام مراحل فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها از جمله مرحله شناسه‌گذاری توسط یک فرد انجام شده و به این دلیل پایایی شناسه‌گذاران در این پژوهش معنا ندارد که به وحدت روش پژوهش‌های گروهی مربوط است. از سوی دیگر استفاده از شیوه مقایسه مستمر در تحلیل داده‌ها، که در پژوهش‌های استقرایی و داده‌محور مرسوم است به افزایش قابلیت اطمینان این پژوهش انجامیده است.

تأییدپذیری: اقدام مناسب برای افزایش تأییدپذیری^۲ توصیف تفصیلی همه جزئیات فرایند پژوهش است. در گزارش تفصیلی این پژوهش همه تصمیم‌هایی که در مسیر اجرای فرایند آن انجام شده بیان شده است. هم‌چنین نشانگرهایی که در جدول‌های شناسه‌گذاری استفاده شده مسیر بین هر مضمون تا شواهد و مستندات داده‌ها را بروشنی نشان می‌دهد. متن کامل جدول‌های شناسه‌گذاری اولیه نیز ضمیمه گزارش شده است تا تأییدپذیری پژوهش هرچه بیشتر فراهم آید.

روایی توصیفی: روایی توصیفی^۳ به صحت توصیف‌های پژوهشگر از موضوع مورد مطالعه اشاره دارد. در این پژوهش برای افزایش روایت توصیفی به متون اصلی سیره مراجعه شده و حتی متون عربی به زبان اصلی مطالعه و شناسه‌گذاری شده است. البته پژوهشگر در موارد مورد نیاز به ترجمه‌ها (در صورت موجود بودن) مراجعه کرده است.

روایی تفسیری: پژوهش کیفی اغلب با تحلیل و تفسیر پژوهشگر همراه است و برخلاف پژوهش‌های کمی که در سنت اثبات‌گرایی انجام می‌گیرد بر انگاره عینیت تأکید ندارد. در این پژوهش برای افزایش روایی تفسیری^۴ تلاش شده است از استفاده از هرگونه چارچوب پیشینی برای تحلیل داده‌های سیره پرهیز شود و به جای آن از رویکرد استقرایی و داده‌محور استفاده شده است. یکی از راهبردهایی که در پژوهش‌های کیفی برای افزایش روایی تفسیری مرسوم است، ارائه تفاسیر پژوهشگر به مشارکت‌کنندگان و دریافت بازخور از آنان است. در این پژوهش به دلیل

1 - Dependability

2 - Confirmability

3 - Descriptive validity

4 - Evaluative validity

ماهیت تاریخی داده‌ها استفاده از این راهبرد میسر نبود؛ به جای آن در مرحله توسعه و تقویت غنای مضمونها تلاش شد، شواهد و تأییداتی از متون روایی و تفسیری برای مضمونهای استخراج شده از متون سیره جستجو و ارائه شود. تأیید و تقویت مضمونها با این روش در مرحله پالایش آنها مؤثر بود و مضمونهایی که از قوت کافی برخوردار نبود، کنار گذاشته شد.

یافته‌های پژوهش

هفت مضمون اصلی از تحلیل متون سیره پیامبر مکرم اسلام(ص) در زمینه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی عبارت است از هدایت‌گری، جامعیت فرهنگی، تدریج، تقویت وحدت و انسجام اجتماعی، مسجد محوری، تقویت جایگاه خانواده و زنان و رشد و گسترش دانش و آگاهی. این هفت مضمون با توجه به شواهدی که در سیره پیامبر(ص) برای هر یک از آنها ذکر شد، اصول خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را شکل می‌دهد که در ادامه به تعریف و تبیین هر یک پرداخته می‌شود.



شکل ۱: شبکه مضمونهای استخراج شده

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) به لحاظ کلی بر سه اصل کلان هدایت‌گری، جامعیت فرهنگی و تدریج دلالت دارد. اصل «هدایت‌گری» جهت‌گیری کلان خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سیره نبوی را نشان می‌دهد. اصل «جامعیت فرهنگی» به معنای شمول عموم مردم به عنوان جامعه هدف^۱ و نیز پوشش همه سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگ است و براساس اصل «تدریج» خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مستلزم نوعی پویایی همراه با رشد و تکامل

1 - Target population

مستمر است. اصول چهارگانه «تقویت وحدت»، «مسجد محوری»، «تقویت جایگاه خانواده و زنان» و «رشد دانش و آگاهی» به محتوای جوهری^۱ خط‌مشی‌های فرهنگی مربوط است.

هدایت‌گری

جهت‌گیری کلی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی حضرت رسول(ص) هدایت‌گری در راستای گسترش کمی و کیفی ایمان در جامعه است. آن حضرت از هر فرصتی برای دعوت به اسلام و رشد ایمان مردم استفاده می‌کرد و جدیت ایشان در این مسئله تا حدی بود که خداوند در قرآن خطاب به ایشان می‌فرماید گویی می‌خواهی به دلیل ایمان نیاوردن ایشان خود را به کشتن دهی! (شعراء/۳؛ کهف/۶).

خلاصه دعوت پیامبر(ص) و محتوای خط‌مشی فرهنگی ایشان عبارت است از توحید. اساس دعوت بر پایه هدایت مردم به توحید بوده و به همین دلیل و پیش از هر چیز هدف رسول خدا(ص) آشنا ساختن مردم با توحید و نبوت بوده است (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۴۹). رسول خدا(ص) مردم را به توحید نظری و عملی در همه مراتب و وجوهش فرا خواند و همه برنامه‌ها و اقدامات در همین جهت صورت گرفت. همه تصمیم‌گیریها و تلاشها در این جهت بود: دعوت پنهانی و همگانی، دفاع و تهاجم، جنگ و صلح، همه و همه به یک منظور بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۶۷۴).

پیامبر اکرم(ص) از آغازین روز ورود به مدینه تا واپسین روزهای حیات مبارکشان مردم را به ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی دعوت می‌فرمود. خروج حضرت از محله قبا و ورودشان به مدینه با روز جمعه مصادف بوده است. حضرت در خطبه نماز جمعه این روز، که اولین خطبه در مدینه است، می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهُ خَيْرٌ مَّا أُوصِيَ بِهِ الْمُسْلِمُ أَنْ يَخْضَعَهُ عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنْ يَأْمُرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ فَاحْذَرُوا مَا حَذَرَكُمُ اللَّهُ مِنْ نَفْسِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹: ۱۲۶؛ خراسانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸): «شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم. بدرستی که بهترین چیزی که مسلمانی به مسلمانی دیگر سفارش کند این است که او را به آخرت بخواند و به تقوای الهی امر کند؛ پس از آنچه خدا پروایتان داشته است پروا کنید.»

حضرت برای اعتلای کلمه توحید و گسترش اسلام تلاش بسیار کردند و فرستادن نامه‌ها و اعزام مبلغان به نقاط دور و نزدیک باعث شد ندای توحیدی اسلام در اقصی نقاط جهان شنیده شود

(احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۶۰۳)؛ حتی در سالهای اوج غزوات و سرایا نیز کار دعوت اسلامی ادامه داشت و اعزام فرستادگانی برای دعوت مردم به اسلام صورت می‌گرفت (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۴۷). اعزام حضرت علی (ع) به یمن (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۰۷۹) و اعزام خالد بن ولید به سوی مردم نجران (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۵۹۲) از آن جمله است.

منبر و خطابه نیز به مثابه رسانه‌ای در خدمت خطمشی فرهنگی پیامبر (ص) قرار داشت. خطبه‌های حضرت در هدایت مردم نقش پررنگی دارد و سرشار از مضمونهای توحیدی و اخلاقی است که گاه با بیان حکمت، موعظه، و تعلیم آموزه‌های اسلامی، و گاه با ابشار و تندیر ثواب و عقاب همراه است؛ از جمله در خطبه روز جنگ بدر می‌فرماید: «فَأَنى أَحْكُم على ما حَكَّم اللهُ عليه و أَنهاكم عَمَّا نَهَاكم اللهُ عَنْه، فَإِنَّ اللهَ عَظِيمٌ شَانَهُ، يَأْمُرُ بِالْحَقِّ و يُحِبُّ الصِّدْقَ» (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۵۸): «همانا من شما را به آنچه خدا بدان فرا خوانده است، فرا می‌خوانم و از آنچه خدا از آن نهی فرموده است، نهی می‌کنم. همانا خدا به حق امر می‌کند و راستی را دوست می‌دارد...». مشابه همین مضمون در خطبه‌های دیگر نیز هست.^(۳)

جامعیت فرهنگی

خطمشی‌گذاری فرهنگی در سیره نبوی از دو بعد دارای جامعیت است: یکی از بعد محتوا و جوهره خطمشی و دیگری از بعد مخاطب و جامعه هدف. از بعد محتوا، خطمشی فرهنگی حضرت همه لایه‌ها و سطوح فرهنگ را در بر می‌گیرد. خطمشی فرهنگی حضرت بنیادترین سطح را دگرگون می‌کند که به مفروضات اساسی جامعه مربوط است و متناسب با آن، ارزشهای اجتماعی و آداب و الگوهای رفتاری را نیز متحول می‌سازد. حضرت حتی اهتمام خاصی به پالایش و اصلاح نامها و نمادها داشت که از سطحی‌ترین لایه‌های فرهنگ به شمار می‌رود و این اهتمام تا حدی است که سهیلی در کتاب الروض الانف می‌نویسد: «ایشان نام نامناسب بسیاری از اشخاص و اماکن را تغییر داد که این موارد به دلیل فروانی بسیار قابل مشخص کردن نیست» (سهیلی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۴۴۹). از آن جمله است تغییر نام یثرب به طابه (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۶۷ و ۴۱۷ به نقل از مجمع البلدان، ج ۵: ۴۳۰)، تغییر نام حسیکه به سقایا (جعفریان، ۱۳۹۲: ۴۷۴؛ واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۲۳)، تغییر نام وادی غوی به رشدا و تغییر نام قبیله بنی‌غیان به بنی‌رشدان (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۲۵۱) و تغییر نام بره بنت حارث یکی از همسران حضرت به جویرییه (العاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۳۰۴؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ۹۴). در بحث نمادها نیز می‌توان به شکستن بتها به عنوان مهمترین نماد

فرهنگ مشرکان در دوره جاهلیت اشاره کرد. مسلمانان مدینه پیش از هجرت حضرت شکستن بتها را آغاز کرده بودند (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳). هم‌چنین گاهی حضرت گروهی را برای نابودی بت‌های برخی قبائل اعزام می‌کردند (سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۲۳). در فتح مکه نیز علاوه بر شکستن بتها، حضرت دستور دادند تصاویری که از پیامبران و ملائکه بر دیوارهای کعبه بود، محو شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۳۷؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۴۱۳؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۸۳۴).

بعد دیگر جامعیت در خط‌مشی فرهنگی حضرت در گستره مخاطب است. حضرت با گروه‌های مختلفی اعم از مسلمانان (مهاجران، انصار، تابعان، اعراب)، مشرکان (مدنی، قریشی، دیگران)، یهودیان، مسیحیان و منافقان روبه‌رو بود و در برخورد با هر یک تدبیر خاصی داشت. هم‌چنین نظام تربیتی ایشان به گونه‌ای بود که افراد در هر سطح و مرتبه‌ای قرار داشتند، چه عرب بادیه‌نشین بی‌بهره از دانش و سواد و چه افراد بافضیلتی چون سلمان و مقداد و بالاتر از ایشان علی (ع) از آن بهره می‌بردند. در آیات قرآن کریم نیز بر فراگیر بودن دامنه مخاطبان حضرت تأکید، و در سوره انبیاء حضرت رحمتی برای همه عالمیان معرفی شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷) و در جای دیگر حضرت بیم‌دهنده همه عالم اعم از جن و انس (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۷۴) بیان شده است: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان/۱).

تدریج

فرهنگ در عین پویایی از ثبات نسبی برخوردار، و همین ثبات نسبی است که باعث می‌شود فرهنگ چون میراثی اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. با عنایت به این ویژگی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به عنوان فعالیتی که عامدانه و آگاهانه تغییر در فرهنگ را هدف قرار داده نیازمند صرف زمان مناسب است؛ چرا که آنچه در طول زمان در لایه‌های عمیق فرهنگ جامعه رسوخ می‌کند غالباً بسرعت قابل تغییر نیست. آموزه‌هایی در سیره نبوی نیز مؤید همین است. تشریح تدریجی احکام و نزول تدریجی آیات قرآن شرایط لازم را برای پیراستن جامعه از آموزه‌های فرهنگ جاهلی و آراستن آن به فرهنگ اسلامی فراهم می‌آورد.

نزول تدریجی آیات قرآن کریم علاوه بر اینکه در مسائل پیش آمده برای جامعه مسلمان هدایتگر و گره‌گشا بود و نزول هر سوره بر ایمان ایشان می‌افزود (توبه/۱۲۴) حکمت‌های دیگری نیز داشت که از آن جمله بیان مبانی دین به ترتیب و بر پایه روالی منطقی بود. قرآن در بیان مبانی دین،

نوعی تدریج را رعایت کرده است. مهمترین وجه این نزول تدریجی را می‌توان در بیان اصول و فروع دین دانست که آیات مکی و مدنی بر این پایه از یکدیگر جدا می‌شود. در آیات مکی اغلب مبانی اعتقادات و در آیات مدنی بیشتر فروع عملی مورد توجه قرار گرفته است. باید توجه کرد که نفس تدریج از لحاظ آموزش عقاید دینی از اهمیت بسیاری برخوردار است (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۹۰).

تشریح تدریجی احکام اسلامی نیز مؤید دیگر اصل تدریج است. بسیاری از احکام به صورت تدریجی تشریح شده است (عاملی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۰۸). در واقع هم خود تشریح احکام به طور کلی شامل تدریج شده و به مرور زمان انجام گرفته و هم بیان حکم برخی موضوعات به طور خاص در طول زمان کامل شده است؛ به عنوان نمونه اقامه نماز و پرداخت زکات (به معنای عام کلمه) در سوره‌های مکی حتی در سوره مزمل که از اولین سوره‌های نازل شده است آمده (نمل/۳، فصلت/۷، مزمل/۲۰)، اما حکم شرعی پرداخت زکات (به معنی خاص کلمه) در سال نهم هجرت مطرح شده است (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۰۸). تشریح نماز به شکل کنونی آن در سال اول هجرت (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹: ۱۱۷؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۲۳۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۱۷ و ۲۵۷) و تشریح روزه و زکات فطره در سال دوم هجرت صورت گرفته است (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۸۶ و ۱۹۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۷۲). تشریح احکام حجاب در سال پنجم (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۸: ۱۳۹ و ۱۴۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۶۵) و وجوب حج در سال ششم یا نهم بوده (محدث قمی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۸۹) و بیشتر احکام حج برگرفته از حجی است که حضرت در سال دهم انجام داد (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۵۷).

در جهت سلبی احکام یعنی در تحریم برخی موضوعات نیز شواهدی برای اصل تدریج وجود دارد. حضرت در پرتو وحی و آموزه‌های الهی، زدودن عادات زشت از جامعه را بتدریج آغاز کرده و با رفق و مدارا پیش برده است؛ از جمله در تحریم شراب مشاهده می‌کنیم آیه‌هایی که در این زمینه نازل شده است، یکنواخت نیست؛ بلکه از مرحله ابتدایی شروع شده تا آنجا که به صورت قطعی تحریم آن را اعلام کرده است (سیحانی، ۱۳۸۵: ۵۹۰). ابتدا به صورت اجمالی در سوره اعراف (آیه ۳۲) هر اثمی را تحریم می‌کند.^(۴) در سوره نحل (آیه ۶۷) نیز شراب را در مقابل رزق نیکو قرار می‌دهد.^(۵) تا اینجا حرمت شرب خمر به صراحت بیان نشده است؛ سپس در سوره نساء که سوره‌ای مدنی است از نماز در حال مستی نهی شده است (آیه ۴۲)^(۶) و نهایتاً در آیه ۲۱۹ سوره

بقره از شرب خمر به عنوان «اثم کبیر» یاد شده^(۷) و پس از آن در سوره مائده (آیه ۳۲) از آن به عنوان رجس و پلیدی و عمل شیطانی نهی شد^(۸) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۹۴ - ۱۹۵ و ج ۶: ۱۱۷).

تقویت وحدت و انسجام اجتماعی

مضمون دیگری که در سیره پیامبر گرامی اسلام(ص) در خط مشی گذاری فرهنگی پررنگ است، تقویت وحدت در میان جامعه اسلامی است. شواهد تاریخی عنایت ویژه حضرت را به این اصل مهم از ابتدای حضور در مدینه تا آخرین سال حیات پربرکت ایشان گواهی می دهد. حضرت در نخستین سخن خود در اجتماع مردم مدینه فرمودند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوا وَالنَّاسُ نِيَامٌ وَادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ» (ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۸۱؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴: ۷۴؛ محمدی ری شهری، ج ۳: ۵۶۰): «ای مردم، آشکارا سلام بدهید؛ یکدیگر را به غذا میهمان کنید؛ با خویشان رفت و آمد داشته باشید و شب هنگام که مردم در خوابند، نماز بگزارید تا به سلامت به بهشت وارد شوید؛» یعنی از چهار توصیه حضرت در آغاز ورود به مدینه، سه توصیه به بهبود روابط اجتماعی مربوط است که آشکارا نشاندهنده اهتمام ایشان به این موضوع است. حضرت هم چنین در نخستین خطبه هایشان در آغاز ورود به مدینه فرمودند: «تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ بَيْنَكُمْ» (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۰۱؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۵۲۵؛ سهیلی، ۱۴۱۷ق؛ خراسانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۵۶): «به واسطه روح الهی به یکدیگر دوستی و محبت کنید.»

یکی از اقدامات نخست رسول خدا(ص) در مدینه برقرار ساختن پیمان برادری میان مسلمانان به صورت دو به دو بود (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۲). حضرت میان انصار و مهاجران دو به دو پیمان برادری ایجاد، و حضرت علی(ع) را برادر خویش معرفی کرد (ابن هشام، بی تا، ج ۱: ۵۰۵؛ محدث قمی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۴۳). ایجاد روحیه تعاون و همکاری و تأکید بر الفت همگانی و اتحاد جامعه بر اساس برادری اسلامی از نتایج قطعی چنین پیمانی بوده است. در واقع باید این اقدام را پس از ساختن مسجد دومین اقدام ضروری برای تقویت توان جامعه اسلامی دانست. چنین تحولی از جامعه قبیله ای جاهلی به امت اسلامی مهمترین مسئله برای رسول خدا(ص) در دعوت اسلامیشان بوده است (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۵). حضرت با این طرح، ضمن رفع زمینه های اختلاف و دودستگی میان مسلمانان نوعی وحدت سیاسی و معنوی ایجاد کرد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۴۶؛ العاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۳۷ - ۲۴۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۵۲).

تأکید بر برادری مسلمانان به پیمان مواخاه محدود نشد. در بسیاری از سخنان حضرت از جمله در خطبه‌هایی که در مقاطع حساس بیان شده است بر برادری دینی عموم مسلمانان تأکید شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به خطبه حضرت پس از فتح مکه (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۳۶؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۸۲۰) و خطبه ایشان در حجه‌الوداع اشاره کرد که چند ماه پیش از رحلتشان است (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۶۰۴).

تأکید مکرر حضرت بر اصل برادری دینی، که مؤید قرآنی نیز دارد،^(۹) تأثیر عمیقی در اصحاب برجای گذاشته بود به طوری که نقل شده است مسلمانان شوق دیدار یکدیگر را داشتند و بیش از سه روز از احوال برادر خود بی‌خبر نمی‌ماندند. زمانی که مسلمانی به مسافرت یا مأموریتی می‌رفت، کلید خانه‌اش را به برادرش می‌سپرد و به او می‌گفت هرچه خواستی بردار و هرچه خواستی بخور (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۲۵۰ - ۲۵۲)؛ حتی مواردی در تاریخ ذکر شده است که نشان می‌دهد اصحاب پیامبر(ص) برادری دینی را بر برادری خونی ترجیح می‌دادند؛ به عنوان نمونه در جریان جنگ بدر برادر مصعب بن عمیر اسیر شد. مصعب به مسلمانی که برادر خونیش را اسیر گرفته بود می‌گفت او را سفت بگیر که برایش پول خوبی می‌دهند و در مقابل اعتراض برادر خونیش گفت در واقع آن مسلمان برادر اوست (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۶۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۰۲؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۳۲ و ۴۹۲). عمق این تحول بویژه با شناخت روابط و پیوندهای مستحکم خونی و قبیله‌ای در فرهنگ عرب جاهلی قابل درک است.

پیمان یا منشور مدینه نیز، که از دیگر اقدامات حضرت در سال نخست هجرت است، حاوی مضمون‌هایی است که بر اصل وحدت و انسجام اجتماعی دلالت می‌کند. در ابتدای این پیمان‌نامه آمده که این کتاب محمد(ص) است در میان مؤمنان و مسلمانان از قریش و مردم یثرب و هر کسی که از آنها پیروی کرده و به آنان ملحق شده است و به همراهشان جهاد کند، آنها «امت واحده» هستند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۱؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۹). حضرت در این پیمان بر اتحاد امت اسلامی و برخی شروط آن تأکید، و از تفرقه پیشگیری کرده است (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۵۳).

در همین راستا پیامبر(ص) خط بطلانی کشید بر معیارهای ارزشی قومی و قبیله‌ای که خود عامل تفرقه و تشتت جامعه بود. در سخنان حضرت تأکید بر ایمان و تقوا به عنوان تنها ملاک برتری بارها نقل شده است. در پیمان مدینه، که بدان اشاره شد، آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ

علی‌أحسن هدی و أقومیه» (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۲۴): مؤمنان و پرهیزکاران بر بهترین هدایت و استوارترین آن هستند. مشابه همین مضمون، بلکه با تفصیل بیشتر در خطبه فتح مکه (خراسانی، ۱۳۷۴ ج ۱: ۲۵-۲۶) و خطبه حجه الوداع (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۴) نیز وجود دارد.

مضمونهای مرتبط با موضوع تقویت انسجام اجتماعی در سخنان حضرت فراوان است که نشان می‌دهد ایشان بر این خط‌مشی صریح اهتمام و تأکید کرده‌اند. حضرت دوستی و ابراز محبت را اساس ایمان و نیمی از دین (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۴۴) معرفی می‌کرد و می‌فرمود دوستی در راه خدا از بزرگترین شاخه‌های ایمان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۴۴) و با ارزشترین رفتار (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۴۶) است. هم‌چنین ایشان مردم را به یاری و خدمت‌رسانی به یکدیگر تشویق می‌کرد و می‌فرمود هر کس برای برادر مؤمن خود، حاجتی برآورد، چنان است که همه عمرش را به عبادت خدا سر کرده باشد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۹۴) و خدمت کردن مؤمن به برادر مؤمنش، مقامی است که فضیلت و ثواب آن، جز با همانند آن (خدمت) به دست نمی‌آید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۹: ۲۹۶). احادیث متعددی از حضرت نقل شده که در آنها از رفتارهای مغایر با برادری دینی و عواملی نهی شده است که سبب اختلاف و کدورت بین مسلمانان می‌شود؛ مواردی از قبیل غیبت، حسادت، سوء ظن، تجسس، ظلم و خیانت (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۹۶ و ۲۱۸ و ۲۸۸).

مسجد محوری

پیامبر مکرم اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه، ابتدا چند روزی در محله قبا در میان قبیله بنی عمر بن عوف ساکن شدند و به آنان دستور دادند تا بت‌هایشان را نابود کنند. اقدام دیگر حضرت در زمان اقامت کوتاهشان در قبا تأسیس مسجد بود (مقدسی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۸؛ ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۹۴). نخستین اقدام رسول خدا (ص) پس از ورود به مدینه نیز تأسیس مسجد است. چنین اقدامی از اهمیت نقش مسجد حکایت می‌کند (العاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۵: ۲۲۰؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۵۱؛ ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۰). در واقع اهمیت و اولویت دادن به بنای مسجد در سیره نبوی بر خط‌مشی فرهنگی ایشان دلالت دارد. حضرت خود در ساخت مسجد مشارکت می‌کرد و مسلمانان اعم از مهاجر و انصار نیز در این کار سهیم بودند (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵: ۳۷۱) و حضور پیامبر (ص) باعث افزایش انگیزه ایشان می‌شد. مسجد مدینه، که شریفترین و والاترین مسجد پس از مسجد الحرام به شمار می‌رود (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۵۴) با ساده‌ترین امکانات سرپا شد و نقش مهمی

در فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کرد (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۰).

البته باید توجه کرد که مسجد تنها پرستش‌گاه و معبد نبود (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۳۸؛ العاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۲۰)؛ بلکه افزون بر مرکزیت عبادی، مرکزیت فرهنگی، سیاسی و اداری نیز داشت و یکی از تکیه‌گاه‌های اصلی اسلام در میان مسلمانان به شمار می‌رفت (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۳۱) و با توجه به فضایی که اسلام در اندیشه و عمل جامعه جاهلی ایجاد کرده بود، نقشی اساسی در شکل دهی جامعه اسلامی جدید داشت؛ بدین ترتیب ساختن مسجد از نخستین گام‌های بنای جامعه جدید باید تلقی شود (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۳۱).

مسجد محل اجتماع مسلمانان و محلی برای آموزش‌های علمی و دینی نیز بود. تا آغاز قرن چهارم هجری غالباً مساجد در غیر اوقات نماز، حکم مدارس را داشت و بعداً مراکز آموزشی صورت خاصی به خود گرفت و بسیاری از بزرگان علم و دانش فارغ التحصیلان حلقه تدریس‌هایی هستند که در مساجد برگزار می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۳۸). مسجد مرکز اداره حکومت پیامبر(ص) و محل دیدار حضرت با جامعه و رسیدگی به امور جاری و اتخاذ تصمیمات مهم و نیز مشورت با مردم بود؛ همان‌طور که مشورت برای جنگ احد و جنگ احزاب در مسجد انجام شد (عجاج کرمی، ۱۴۲۷ق: ۷۶)، قضاوت و حل و فصل منازعات و اختلافات، فراخوان و اعزام سپاه و استقبال و پذیرایی از هیأت‌های نمایندگان قبائل نیز در مسجد انجام می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۴۰؛ عجاج کرمی، ۱۴۲۷: ۷۶).

مسجد قبا و مسجد مدینه توسط رسول خدا(ص) بنا شد؛ اما ایشان به این دو مسجد بسنده نکرد و هر از چندی به میان طایفه‌ای می‌رفت؛ جایی نماز می‌خواند و آن مکان را به عنوان مسجد آنان تعیین می‌فرمود. علاوه بر آن کسی را هم به عنوان امام جماعت تعیین، یا به طور کلی می‌فرمود کسی که بهترین قرائت را دارد، نماز بخواند. این نظر، که رسول خدا(ص) تنها همین دو مسجد را تأسیس کرده با نقل‌های فراوان تاریخی که در متون کهن آمده است، آشکارا مخالفت دارد (جعفریان، ۱۳۷۶: ۲۵۵ - ۲۵۶)؛ به این ترتیب از هنگامی که رسول خدا(ص) وارد مدینه شد و نخست در محله قبا با اقامه نماز در آن محل، مسجد را بنا نهاد تا زمانی که آن حضرت چشم از جهان فروبست، ده‌ها نقطه را با متبرک ساختن زمینش به اقامه نماز در آن به عنوان مسجد برای مسلمانان به یادگار گذاشت. آن حضرت در هر کوی و برزن و در میان هر قوم و قبیله‌ای این سیره را اجرا کرد. مردم هر منطقه نیز مشتاقانه آن حضرت را برای تأسیس مسجد و اقامه نماز در آن

دعوت می‌کردند. علاقه مردم چنان بود که هر کجا رسول خدا(ص) حتی به اتفاق نیز نماز می‌گزارد به صورت مسجد در می‌آمد (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۲۹). در راه طولانی جنگ تبوک هر کجا که حضرت نماز گزارد مسجدی بنا گردید (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۶۵۱). ابن هشام در کتاب سیره خود (بی‌تا، ج ۲: ۵۳۱) و واقدی در کتاب مغازی (۱۴۰۹ق، ج ۳: ۹۹۹) نام این مساجد را ذکر کرده‌اند.

حضرت مردم را به ساخت و آباد کردن و حضور در مساجد توصیه و تشویق می‌کرد؛ از جمله می‌فرمود: «هر کس مسجدی بسازد گرچه به اندازه لانه پرنده‌ای، خدا خانه‌ای در بهشت برای او خواهد ساخت» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۱۱۶).

تقویت جایگاه خانواده و زنان

در دوره جاهلیت زن محرومیت عجیبی نزد اعراب داشت به طوری که با فجع‌ترین وضع زندگی می‌کرده است (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۴). در کتاب صحیح بخاری، که معتبرترین کتاب روایی نزد اهل سنت است از خلیفه دوم نقل شده است که می‌گفت: «کنا فی الجاهلیة لانعد النساء شیئا»: در دوران جاهلیت زنان هیچ چیز به حساب نمی‌آمدند (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۴ به نقل از بخاری، ج ۶: ۶۹). این اعتراف بروشنی بیانگر وضعیت اسفبار زنان در دوران جاهلیت است. اعراب جاهلی از فرزند دختر کراهت داشتند و گاه ممکن بود آن را زنده به گور کنند. قرآن کریم این فرهنگ اعراب جاهلی را بشدت مذمت کرده است (نحل/۵۸ - ۵۹؛ تکویر/۸ - ۹). اسف انگیزتر از همه، نظام ازدواج آنان بود که در جهان نظیری نداشت؛ مثلاً برای همسر، حدّ معینی قائل نبودند و برای خالی کردن شانه از زیر بار مهریه، زنان را اذیت می‌کردند و چنانچه زنی برخلاف عفت رفتاری می‌کرد، مهر او بکلی از بین می‌رفت. گاهی از همین قانون سوء استفاده می‌کردند و زنان خود را متهم می‌ساختند تا بتوانند از دادن مهر خودداری ورزند. گرفتن همسران پدر در صورت طلاق یا مرگ پدر برای اولاد اشکال نداشت. هنگامی که از شوهر خود طلاق می‌گرفتند، حق ازدواج به اجازه شوهر اول منوط بود و اجازه شوهر نخستین هم غالباً با دریافت مهر انجام می‌گرفت (سبحانی، ۱۳۸۶: ۴۷). اسلام به مرور با این عادات و ارزشهای غلط فرهنگ جاهلیت مبارزه، و نظام حقوق زن را متحول کرد.

در بیعت‌های صدر اسلام از زنان نیز بیعت گرفته می‌شده است. بیعت در ابتدا به معنی خروج از شرک و پذیرش اسلام و اطاعت از پیامبر(ص) و بعد با تشکیل حکومت اسلام به معنی پذیرش

حاکمیت جدید بود. گفته شده شرط عدم خلوت با نامحرم در بیعت با زنان گنجانده شده بود و جز این، تنها اختلاف بیعت زنان با مردان در چگونگی آن بوده که با دست دادن صورت نمی‌گرفته است. در جریان بیعت عقبه دوم دو زن نیز بیعت کردند. بیعت با زنان به عنوان فصل خاص در کتابهایی نظیر بخاری و نسائی آمده است. دیگران نیز مسئله را مورد توجه قرار داده و ده‌ها روایت در این زمینه نقل کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۲: ۳۸۷ - ۳۹۴). اگرچه اصل بیعت بیشتر سیاسی است، اینکه از زنان به صورت جدا بیعت گرفته می‌شده به معنی شأن اجتماعی قائل شدن برای زنان است و اهمیت فرهنگی - اجتماعی دارد.

حضور زنان در برخی عرصه‌های مهم اجتماعی مؤید خط‌مشی فرهنگی دولت نبوی در تقویت شأن اجتماعی زنان است؛ از جمله زنان در ساخت مسجد مدینه، که در قسمت قبل به اهمیت آن اشاره شد، مشارکت کردند (العاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۲۴). هم‌چنین موارد متعددی از حضور زنان در پشت جبهه جنگها نقل شده است. واقدی تعداد زنان در جنگ احد را چهارده زن (از جمله حضرت زهرا (س)) دانسته است و نوشته زنان در رساندن آب و غذا و درمان مجروحان کمک می‌کردند (واقدی، ۱۳۶۹: ۱۸۰). در جنگهای خندق، خیبر و حنین نیز گزارشهایی از حضور و مشارکت زنان مسلمان در پشت جبهه و عمدتاً برای کمک به مجروحان نقل شده است (ابن‌هشام، بی تا، ج ۲: ۳۴۲ و ج ۳: ۲۳۹؛ واقدی، ۱۳۶۹: ۵۰۳؛ جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۷۰ و ۶۰۳؛ رسولی محلاتی، ۱۳۷۵، ج ۲، ۲۳۴؛ آیتی، ۱۳۷۸: ۵۸۹).

در همه شواهدی که در مورد نقش‌آفرینی اجتماعی زنان ذکر گردید از قبیل مشارکت در ساخت مسجد النبی، بیعت و مشارکت در جنگها مشاهده می‌شود که اقتضائات این حضور و مشارکت نیز فراهم شده است. در ساخت مسجد مردها در روز کار می‌کردند و زنها در شب (العاملی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۲۲۴). این تدبیر هم به دلیل عدم اختلاط بین زنان و مردان بوده و هم تاریکی شب برای کار کردن زنان (بویژه در آن مقطع که هنوز احکام حجاب تشریح نشده بود) پوششی طبیعی فراهم می‌کرده است. در بیعت زنان نیز، چنانکه ذکر شد، مصافحه صورت نمی‌گرفت. حضور زنان در جنگ نیز متناسب با وضع ایشان در پشت جبهه بوده و جز موارد نادری که زن مسلمانی ناچار به دفاع از خود می‌شده است از نبرد زنان گزارشی وجود ندارد؛ بلکه برعکس، حضور زن در خانواده و حسن همسررداری به عنوان جهاد زن معرفی شده است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۶: ۱۱۶).

قسمت‌هایی از خطبه حضرت در حجه الوداع در میان اجتماع بزرگ مسلمانان به توصیه به رعایت حقوق زنان و بیان برخی احکام خانواده اختصاص پیدا کرده که نشان‌دهنده اهمیت فراوان این موضوع در نزد حضرت است. بویژه اینکه حضرت در ابتدای این خطبه بعد از حمد و ثنای الهی به اهمیت این خطبه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ای مردم به آنچه برایتان بیان می‌کنم، گوش فرا دهید که من نمی‌دانم شاید پس از این سال و در این موقف دیگر شما را نبینم» (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰). در بخشهایی از این خطبه حضرت ضمن بیان حقوق متقابل زن و شوهر به امانت بودن زن نزد شوهر اشاره و به رعایت تقوا نسبت به زنان توصیه کرده است (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۴).

خط‌مشی فرهنگی حضرت رسول(ص) در موضوع زنان و خانواده در سخنان ایشان مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. ایشان برای ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه ویژه‌ای قائل بودند و می‌فرمود: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ»: «هیچ بنایی که در اسلام نهاده شده باشد نزد خداوند متعال، دوست‌داشتنی‌تر از ازدواج نیست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۰۷) و نیز می‌فرمود: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ؛ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ»: «تشکیل خانواده دهید که مایه فزونی روزی شماست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۰۷). حضرت ازدواج را سنت خویش معرفی می‌کرد و می‌فرمود: «مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بَسُنَّتِي وَ مِنْ سُنَّتِي النُّكَاحُ»: «هر که آیین مرا دوست دارد، باید به سنت من عمل کند و ازدواج از سنت‌های من است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۴۰). ایشان ازدواج را سبب کسب نیمی از دین می‌دانست و در فضیلت ازدواج می‌فرمود خواب متأهل نزد خدا از روزه‌داری و شب‌زنده‌داری فرد بی‌همسر فضیلتش بیشتر است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۴۲). در سخنان ایشان افرادی که عزب از دنیا بروند شدیداً نکوهش شده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۴۸). ایشان هم‌چنین به آسان‌سازی ازدواج توصیه می‌کردند و می‌فرمودند: «إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا، وَ تَيْسِيرَ صَدَاقِهَا، وَ تَيْسِيرَ رَحِيمِهَا»: «از خوش‌یمنی زن، این است که خواستگاری او راحت و مهریه‌اش سبک باشد و راحت بچه‌دار شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۳۵۲). پیامبر(ص)، که خود اسوه و الگوی نمونه مسلمانان بود، ازدواج دخترش فاطمه(س) را در نهایت سادگی و با مهریه‌ای اندک برگزار کرد (سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۱۰).

احادیث از پیامبر اکرم(ص) در موضوع خانواده (ازدواج و تشکیل خانواده، انتخاب همسر و...) فراوان است که این خود بر اهمیت بسیار این موضوع نزد ایشان دلالت دارد. گروهی از این روایات در مورد روابط و مناسبات درون خانواده و اخلاق و آداب مربوط به آن است (محمدی

ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۲۵۸ - ۳۶۰). توصیه‌های مکرر در مورد احسان و نیکوکاری در مورد والدین و نیز صله رحم و رفت‌وآمد با خویشاوندان نیز باید در جهت تقویت بنیان خانواده تحلیل شود که در اینجا مجال ذکر شواهد بیشتر نیست.

رشد و گسترش دانش و آگاهی

یکی از مضمونهای آشکار در خط‌مشی فرهنگی پیامبر (ص) تلاش برای ارتقای سطح دانش و آگاهی عمومی جامعه است. اهمیت این نقش حضرت سبب شده است در چند سوره از قرآن کریم به آن اشاره شود (بقره/۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴؛ جمعه/۲).

در قسمت‌های پیشین بیان شد که یکی از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، مرکزی برای تعلیم و تعلم بود. از صفوان بن عسال مرادی نقل شده است که روزی نزد پیامبر (ص) خدا در مسجد رفتم و به ایشان گفتم ای پیامبر خدا! من در جستجوی دانش آمده‌ام. فرمود «آفرین بر جوای دانش! بی‌گمان، فرشتگان گرداگرد جوای دانش را می‌گیرند و با بالهایشان بر او سایه می‌اندازند. سپس از روی علاقه به آنچه وی در پی آن است، چنان از سر و دوش هم بالا می‌روند که به آسمان فرودین می‌رسند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۱۷). این روایت علاوه بر اینکه توصیه و تشویق طلب علم را نشان می‌دهد، شاهدهی بر مراجعه مردم به مسجد برای یادگیری نیز هست. در روایت دیگری نقل شده است که حضرت روزی وارد مسجد شدند در حالی که دو گروه از مردم در مسجد بودند؛ گروهی به عبادت و قرائت قرآن مشغول بودند و گروه دیگری به مباحثه علمی. پیامبر (ص) فرمود «هر دو در کار خیرند؛ اینان به تلاوت قرآن مشغولند و دعا می‌کنند. اگر خدا بخواهد به ایشان عطا می‌کند و اگر بخواهد، باز می‌دارد و آنان به آموختن و فرا گرفتن سرگرمند و من، معلم برانگیخته شده‌ام.» حضرت در میان گروه دوم رفته با آنان نشست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵۱). ایشان هم چنین می‌فرمود: «مَنْ جَاءَ مَسْجِدِي هَذَا كَمْ يَأْتِهِ إِلاَّ لِيُخَيْرَ يَتَعَلَّمُهُ أَوْ يُعَلِّمُهُ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»: «هر کس به مسجد من بیاید و هدفی جز یاد گرفتن و یا یاد دادن نیکی نداشته باشد، مانند مجاهد در راه خداست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۵۴). هم چنین نقل شده است که عباد بن صامت به اصحاب صغه قرآن و کتابت آموزش می‌داد (کنانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۳). اهمیت این خبر به این دلیل است که می‌دانیم اصحاب صغه بعضاً از تأمین نیازهای اولیه خود از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن نیز ناتوان بودند. در حکومت حضرت اهمیت آموزش عمومی به قدری است که حتی فقیرترین اصحاب از آموزش برخوردار

بودند.

در سیره پیامبر(ص) زمانی که اهالی منطقه‌ای اسلام می‌آوردند، فردی از خود ایشان به عنوان نقیب انتخاب می‌شد و در کنار آن برای آموزش آنان فردی یا افرادی از مسلمانان انتخاب و به نزد ایشان اعزام می‌شد؛ به عنوان نمونه پس از بیعت دوازده نفر از مردم مدینه در عقبه اولی، پیامبر(ص) مصعب بن عمیر را برای تعلیم قرآن و دعوت به اسلام به مدینه اعزام می‌کند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۴) در حالی که انتخاب نقباء پس از بیعت عقبه دوم و از میان خود مردم مدینه صورت می‌گیرد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۴۳). هم‌چنین پیامبر(ص) پس از فتح مکه عتاب بن اسید را به عنوان والی این شهر منصوب می‌کند و معاذ بن جبل را برای آموزش قرآن و دین به مکه می‌فرستد (کتانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۵).

یکی از مشکلات آموزش در آن دوره بیسوادی مردم بود؛ لذا پیامبر(ص) برخی افراد با سواد را به آموزش خواندن و نوشتن به دیگر مسلمانان مأمور می‌کند. ابن عبدالبر در کتاب استیعاب در احوال عبدالله بن سعید بن عاص آورده است که او کاتبی خوش خط بود و پیغمبر(ص) به او دستور داد در مدینه به آموزش نوشتن پردازد (کتانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۰۸). هم‌چنین در جریان جنگ بدر که گروهی از مشرکان به اسارت مسلمانان درآمدند، به آنان گفته شد هر کس به ده نفر از فرزندان مسلمانان سواد بیاموزد، آزاد می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۹۱؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۵۰۳؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۱۰۵).

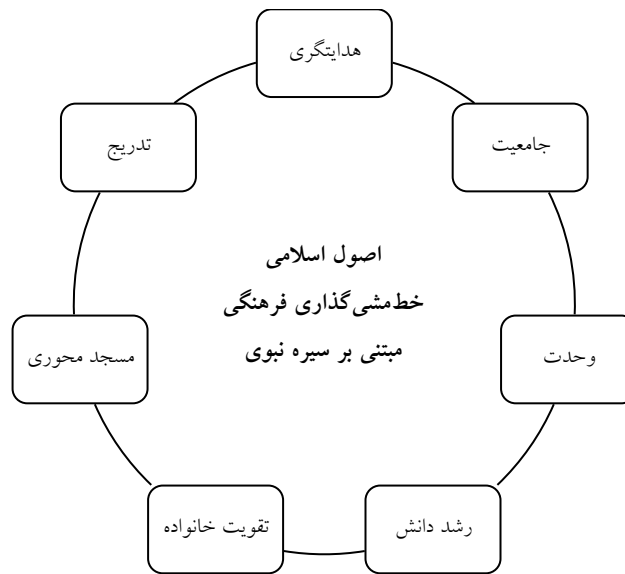
توصیه به علم آموزی در روایات نبوی فراوان است و این موضوع ابواب متعددی را در کتابهای روایی به خود اختصاص داده است؛ ابوابی از قبیل دعوت به طلب علم، فضیلت علم، فضیلت طالب علم، وجوب علم آموزی، دعوت به آموزش دادن، فضیلت معلم، فضیلت عالم، دعوت به تعقل و تفکر و... (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۴۸ - ۴۸۴). در اینجا به لحاظ رعایت اختصار تنها به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌شود که شواهدی آشکار بر خط مشی فرهنگی صریح پیامبر(ص) در راستای رشد علم و دانش به شمار می‌رود.

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که می‌فرمود: «قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ خَرِبٍ، فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا وَلَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ عَلَى الْجَهْلِ»؛ «دلی که درونش حکمت نیست، مانند خانه‌ای ویران است؛ پس بیاموزید و آموزش دهید و دین‌شناس گردید و نادان نمیرید؛ چرا که خداوند، عذر نادانی را نمی‌پذیرد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۸۴). ایشان دانش را

سبب برتری انسانها می‌دانست و می‌فرمود: «أَكْثَرُ النَّاسِ قِيَمَةٌ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقَلُّ النَّاسِ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا»: «با ارزشترین مردم، دانشمندترین آنهاست و کم‌ارزشترین مردم، نادانترین آنها» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۸۴). حضرت بر یادگیری دانش توصیه مؤکد و مکرر می‌کرد و در منابع شیعه و اهل سنت به اسناد مختلف از ایشان نقل شده^(۱۰) است که می‌فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»: «جستجو و طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۶). ایشان هم‌چنین می‌فرمود که طالب علم در راه خداست و اگر در این راه مرگ او فرا برسد شهید از دنیا رفته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۰۶). از نظر ایشان مسلمان باید یا عالم باشد و یا یادگیرنده علم و خیری در دیگران نیست (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۲۶).

روایت شده است حضرت زمانی که معاذ را به یمن اعزام می‌کرد به او فرمود: «یا معاذُ، عَلِّمُهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَأَحْسِنِ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ ... ثُمَّ بَيِّتْ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ»: «ای معاذ، کتاب خدا را به ایشان بیاموز و آنها را به اخلاق نیکو، تربیت کن ... سپس آموزگاران را در میان آنها بپراکن» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۴۶). این حدیث بروشنی بیانگر مسئولیت حکومت اسلامی در برابر تعلیم و تربیت مردم است.

در مجموع خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) به لحاظ کلی بر سه اصل کلان هدایت‌گری، جامعیت فرهنگی و تدریج دلالت دارد. اصل «هدایت‌گری» جهت‌گیری کلان خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سیره نبوی را نشان می‌دهد. اصل «جامعیت فرهنگی» به معنای شمول عموم مردم به عنوان جامعه هدف و نیز پوشش همه سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگ است و براساس اصل «تدریج» خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مستلزم نوعی پویایی همراه با رشد و تکامل مستمر است. اصول چهارگانه «تقویت وحدت»، «مسجد محوری»، «تقویت جایگاه خانواده و زنان» و «رشد دانش و آگاهی» به محتوای جوهری خط‌مشی‌های فرهنگی مربوط است.



شکل ۲: اصول هفتگانه خط‌مشی گذاری فرهنگی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

چرخش فرهنگی^۱ در علوم اجتماعی در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای فرهنگ را در کانون توجه پژوهشگران و نظریه‌پردازان قرار داده و بحث و نظرگاه‌های گوناگونی را شکل داده است. مناسبات قدرت و فرهنگ از جمله محورهای این مباحثات است. از سوی دیگر با نگاهی کارکردگرایانه^۲، فرهنگ یکی از عرصه‌های خط‌مشی گذاری عمومی است و دولت‌ها از مهمترین بازیگران و نقش‌آفرینان عرصه فرهنگ به‌شمار می‌روند. به‌رغم اینکه عملاً خط‌مشی گذاری فرهنگی امروزه همه‌جایی و فراگیر شده، مطالعات چندانی در مورد چیستی و چگونگی آن بویژه با رویکرد اسلامی صورت نگرفته است. در این راستا بازخوانی سیره اهل بیت علیهم‌السلام و استخراج درسها و دلالت‌های آن در زمینه خط‌مشی گذاری فرهنگی می‌تواند راهگشا باشد. در این پژوهش تلاش شد با تکیه بر رهیافت استاد شهید مطهری (ره) در سیره‌پژوهشی، که رهیافتی

1 - Cultural turn

2 - Functional

اصل‌محور است و با رویکرد اکتشافی، داده‌محور و استقرایی بر اساس شواهد و اسناد تاریخی در زمینه سیره حکومتی پیامبر اکرم(ص) اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی استخراج شود. به دلیل ماهیت بدیع و بکر بودن موضوع مقاله، امکان مقایسه نتایج آن با پژوهش‌های مشابه وجود ندارد. در پژوهش‌های خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به جنبه‌های اسلامی کمتر پرداخته شده و به طور مشخص پژوهشی پیشتر انجام نشده است که با رویکرد اصل‌محور (رویکرد شهید مطهری) به این موضوع پرداخته باشد. از سوی دیگر مطالعاتی که در قلمرو سیره پژوهی با رویکرد اصل‌محور صورت پذیرفته به موضوع فرهنگ و خط‌مشی‌گذاری آن نپرداخته است. طبعاً مقایسه اصول این پژوهش با اصولی که در موضوعات دیگر از سیره پیامبر اکرم(ص) استخراج شده است، چندان معنادار و منطقی نیست و نتیجه خاصی دربر ندارد.

نتایج پژوهش هم به لحاظ عملی برای خط‌مشی‌گذاران و فعالان عرصه فرهنگ و هم به لحاظ نظری برای دانش‌پژوهان این حوزه حاوی دلالت‌هایی است که برخی از مهمترین آنها ذیلاً بیان می‌شود:

- خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند بدون توجه به آموزه اسلامی صورت پذیرد که خود در عمیقترین لایه‌های فرهنگ کشور جا گرفته است. خط‌مشی‌گذاران فرهنگی و نیز تمام نقش‌آفرینان در عرصه فرهنگ در کشور با عنایت به این موضوع می‌توانند اصول اسلامی استخراج شده از سیره پیامبر گرامی اسلام را سرلوحه خود قرار دهند و در تمام مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری تلاش کنند این اصول رعایت شود.

- یافته‌های این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنای بازنگری در خط‌مشی‌های فرهنگی مدون و اسناد راهبردی کشور در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد؛ به عنوان مثال می‌توان نشان داد اصل مسجدمحوری در اغلب اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های کلان فرهنگی مورد غفلت واقع شده است.

- برخی از اصول این پژوهش حاوی دلالت‌هایی در حوزه مدیریت فرهنگی است؛ به عنوان مثال اقتضای اصل هدایت‌گری فرهنگی این است که خط‌مشی‌گذاران فرهنگی و مجریان این خط‌مشی‌ها خود علاوه بر صلاحیت‌های عمومی و تخصصی، شایستگی هدایت‌گری فرهنگی را نیز داشته باشند. البته مشخص کردن تفصیلی این شایستگی نیازمند پژوهش‌های بیشتر است.

- مطالعه سیره ائمه بویژه سیره حکومتی حضرت امیر علیه‌السلام، بررسی آموزه‌های قرآنی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بویژه با رویکرد تفسیر تنزیلی، بررسی و ارزیابی اصول این پژوهش از

دید روایات و یافتن شواهد مؤید و مکمل از جمله موضوعاتی است که می‌تواند در امتداد این پژوهش صورت گیرد و به تکمیل و تقویت آن کمک کند.

یادداشتها

- ۱ - لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب/۲۱): «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»
- ۲ - داریوش آشوری بیشتر این تعاریف را ترجمه و در کتاب خود با عنوان تعریف و مفهوم فرهنگ (۱۳۸۶: ۴۷ - ۷۱) نقل کرده است.
- ۳ - برای مطالعه متن کامل این خطبه‌های حضرت می‌توان به نهج الخطابه (خراسانی، ۱۳۷۴) و مکاتیب الرسول (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق) مراجعه کرد.
- ۴ - قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ، وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بَغْيِ الْحَقِّ (اعراف/۳۲): بگو پروردگارم فحشای آشکار و پنهانی را تحریم کرده است و تمام اثم‌ها و گناهان و سرکشی بناحق را.
- ۵ - وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا (نحل/۶۷): از خرما و انگور هم مایه مست کننده و هم رزق نیکو به دست می‌آورید.
- ۶ - لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (نساء/۴۲): در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید که چه می‌گویید.
- ۷ - يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا (بقره/۲۱۹): از حکم شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند؛ در پاسخ آنان بگو که اگرچه در قمار و شراب استفاده جزئی مادی است، ضرر و گناه آنها بیشتر است.
- ۸ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده/۳۲): ای افراد با ایمان! شراب و قمار و بتان و بخت‌آزمایی پلید و نجس است؛ همگی از آنها بپرهیزید؛ شاید رستگار شوید.
- ۹ - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (حجرات/۱۰): «همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند؛ پس بین برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید.» «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳): «و همگی به ریسمان الهی چنگ زدید و تفرقه مجوید و نعمت‌های الهی را بیاد آرید آن گاه که دشمن یکدیگر بودید؛ پس بین دل‌هایتان الفت ایجاد کرد و به واسطه نعمت او باهم برادر شدید»
- ۱۰ - برای مشاهده منابع مختلف این حدیث به مقاله «پژوهشی در حدیث طلب العلم» نوشته ابوالقاسم حسن‌پور (۱۳۸۳) مراجعه شود.

منابع فارسی

قرآن کریم.

- نرم افزار دانشنامه نبوی نور. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم افزار نورالسیره نسخه ۲. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۷۸). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن‌اثیر جزری، عزالدین علی‌بن‌ابی‌الکرم (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- ابن‌سعد، محمد کاتب‌واقدی (۱۴۱۸ق). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌سیدالناس، ابوالفتح محمد (۱۴۱۴ق). *عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر*. بیروت: دارالقلم.
- ابن‌منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین (۱۴۰۸). *لسان العرب*. ج ۴. بیروت: دار صادر.
- ابن‌هشام، عبدالملک حمیری (بی‌تا). *السیره النبویه*. بیروت: دار المعرفه.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق). *مکاتیب الرسول*. قم: دارالحديث.
- اسمیت، کوین‌بی؛ کریستوفر دابلیو لاریمر (۱۳۹۲). *درآمدی بر نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی*. ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران: صفار.
- الطریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تصحیح احمد حسینی. تهران: مرتضوی.
- العاملی، جعفر مرتضی. (۱۴۱۵ق). *الصحیح فی سیره النبی الاعظم(ص)*. بیروت: دارالهادی.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۹). *سیاست‌گذاری فرهنگی در فرانسه: دولت و هنر*. تهران: سمت.
- باقری‌فرد، محمد حسین (۱۳۹۵). *الگوی اسلامی ایرانی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی*. رساله دکتری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۴۱۷ق). *انساب الاشراف*. بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵ق). *دلائل النبوة فی معرفة احوال صاحب الشریعة*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *آثار اسلامی مکه و مدینه*. تهران: نشر مشعر.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۲). *تاریخ سیاسی اسلام*. قم: دلیل ما.
- حرانی، حسین‌بن‌شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- حراغملی، محمد (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حمیدی‌زاده، علی (۱۳۹۱). *طراحی الگو استفاده از سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری فرهنگی ایران*. رساله دکتری. قم: پردیس فارابی دانشگاه تهران.
- خراسانی، علم‌الهدی (۱۳۷۴). *نهج الخطابه*. تهران: کتابخانه صدر.
- خورشیدی، سعید (۱۳۹۵). *تحلیل مبانی معرفتی سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر حکمت صدرایی*. رساله دکتری. قم: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸). روش‌شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور، چارچوبی مفهومی. توسعه کارآفرینی. دوره ۲. ش ۴: ۱۲۵ - ۱۵۶.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). خلاصه سیره نبوی منطق عملی. تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). سیره نبوی (منطق عملی). تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). راه صفا در پی مصطفی، رفتارشناسی نبوی در جستجوی زندگی متعالی. تهران: دریا.
- رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۷۵). زندگانی محمد(ص). قم: کتابچی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). فروغ ابدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم(ص). قم: بوستان کتاب.
- سهیلی، عبدالرحمن (۱۴۱۷ق). الروض الأنف فی شرح السیره النبویه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شافریتز، جی‌ام؛ کریستوفر، پی بریک (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله؛ زائری، قاسم (۱۳۸۹). بررسی گفتمان‌های فرهنگی پسا انقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی. پژوهشنامه. ش ۵۴: ۹ - ۳۸.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، امین‌الاسلام فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طبرسی، امین‌الاسلام فضل‌بن‌حسن (۱۳۹۰). اعلام الوری باعلام الهدی. تهران: اسلامیه.
- طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوک. بیروت: دار التراث.
- عربی، حسین علی (۱۳۸۳). تاریخ تحقیقی اسلام. قم: مؤسسه امام خمینی.
- فاضلی، نعمت‌الله؛ قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲). نگرشی نو به سیاست فرهنگی. تهران: تیسرا.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
- کثانی، عبدالحی (بی‌تا). تراتیب الاداریة. بیروت: دار الارقم بن ابی الارقم.
- کرمی، احمدعجاج (۱۴۲۷ق). الإدارة فی عصر الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. قاهره: دار الاسلام.
- محدث قمی، عباس (۱۳۷۹). منتهی‌الأمال فی تواریخ النبی و الآل. قم: دلیل.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). حکمت‌نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم. قم: دارالحديث.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱). طراحی الگوی اجرای سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور. رساله

دکتری. تهران: دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی.
 مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). سیری در سیره نبوی. ج سیزدهم. تهران: صدرا.
 مقدسی، مطهرین طاهر (بی‌تا). *البدء و التاريخ*. بورسعيد (مصر): مكتبة الثقافة الدينية.
 مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰ق). *إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع*. بيروت: دارالکتب العلمیه.
 مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۷۴). *ترجمه طبقات*. تهران: فرهنگ و اندیشه.
 نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
 واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*. بيروت: اعلمی.

منابع انگلیسی

- Anderson, J.E. (2014). **Public Policymaking**. Cengage Learning.
 Bell, D.; Oakley, k. (2014). **Cultural Policy**. New York: Routledge.
 Birkland, T.A (2011). **Introduction to the Policy Process**. Armonk, N.Y. : M.E. Sharpe
 Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2006). **Using thematic analysis in psychology**. Qualitative research in psychology. Volume 3, Issue number 2. pp. 77-101.
 Braun, Virginia; Clarke, Victoria (2013). **Successful qualitative research: A practical guide for beginners**. London: Sage.
 Colebatch, H. (2009). **Policy**. N.y.: McGraw-Hill Education.
 Considine, M. (1994). **Public policy: A critical approach**. Melbourne: Macmillan.
 Dye, Thomas, (1976). **policy analysis: what government do**The university of Alabama Press.
 Eyeston, Robert (1971). **The Threads of Public Policy: a Study in Policy Leadership**. Ardent Media.
 Fenna, A. (2004). **Australian Public Policy**. Pearson Education Australia.
 Fereday, Jennifer; Muir-Cochrane, Eimear (2008). **Demonstrating rigor using thematic analysis: A hybrid approach of inductive and deductive coding and theme development**. International journal of qualitative methods. Volume 5, Issue number 1. pp. 80–92.
 Gerston, L. N. (2014), **Public Policy Making: Process and Principles**, Taylor & Francis.
 Howitt, D.; Cramer, D. (2011). **Introduction to Research Methods in Psychology**, Prentice Hall.
 Joffe, Helene (2011). **Thematic analysis**: ,in David Harper and Andrew R. Thompson, Qualitative methods in mental health and psychotherapy: A guide for students and practitioners. Wiley. pp.209–223
 Kraft, M. E.; Furlong, S. R. (2007). **Public policy: politics, analysis, and alternatives**, CQ Press.
 Kroeber, A. L.; Kluckhohn, C. (1952). **Culture: a critical review of concepts and definitions**. The Museum.
 McGuigan, Jim (2004). **Rethinking Cultural Policy**. Berkshire: McGraw-Hill.
 Roher, G. (1972). **Introduction to Sociology**. Academic Publishers.
 Willams, Ramond (1983). **Keywords: A Vocabulary of Culture and Society**. Routledge.
 Willig, Carla (2013). **Introducing qualitative research in psychology**. Maidenhead: Open University Press.

